

Submit Date: 10 June 2025

Revise Date: 09 September 2025

Accept Date: 16 September 2025

Publish Date: 22 June 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Critical Analysis of the Foundations and Instances of Citizenship Rights in Iran

Mahmoud Shafaei¹, Mohammad Javad Jafari^{*1}, Masoud Ghasemi¹

1. Department of Law, Ker. C. Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

* Corresponding Author's Email: mj.jafari42@iau.ac.ir

ABSTRACT

One of the important topics in legal discussions is citizenship rights. These rights are not only the focus of scholars but also attract the attention of ordinary individuals. A citizen, as a member of a society, is a person who possesses rights and duties in relation to this role. Attention to citizenship rights in any society strengthens the foundation, legitimacy, and continuity of the political system governing that society. Citizenship rights encompass various dimensions such as social, political, judicial, and cultural, and the extent and quality of benefiting from them in each society constitute indicators of development and elements of good governance. In Iran, the rights of citizens have been set forth in the Holy Qur'an and in the text of the Constitution. In this article, an attempt will be made to analytically critique and examine the foundations and instances of citizenship rights within the Iranian legal system. The existing laws and enactments in the field of citizenship rights in Iran contain numerous positive and negative aspects, and addressing these aspects serves as a turning point in restoring the concept of citizenship and citizenship rights. In each section, the author, while presenting the foundations and instances of citizenship rights based on divine scripture and the Constitution, has provided a critical analysis of them.

Keywords: *Right, Citizenship Rights, Foundations, Instances*

How to cite: Shafaei, M., Jafari, M. J., & Ghasemi, M. (2026). Critical Analysis of the Foundations and Instances of Citizenship Rights in Iran. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-16.



تاریخ ارسال: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ چاپ: ۰۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل انتقادی مبانی و مصادیق حقوق شهروندی در ایران

محمود شفائی^۱، محمدجواد جعفری^{۲*}، مسعود قاسمی^۱

۱. گروه علمی حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mj.jafari42@iau.ac.ir

چکیده

یکی از موضوعات مهم در بحث حقوقی، حقوق شهروندی است. این حقوق نه تنها مورد توجه دانشمندان بلکه مورد توجه افراد عادی نیز می‌باشد. شهروند به عنوان عضو یک جامعه، فردی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این نقش است. توجه به حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای باعث قوام، مشروعیت و استمرار نظام سیاسی حاکم بر آن جامعه خواهد بود. حقوق شهروندی دارای ابعاد گوناگونی نظیر: اجتماعی، سیاسی، قضائی و فرهنگی می‌باشد و چگونگی کمیت و کیفیت بهره‌مندی از آن در هر جامعه از شاخصه‌های توسعه و از مولفه‌های حکمرانی خوب می‌باشد. در کشور ایران، حقوق شهروندان در قرآن کریم و متن قانون اساسی بیان شده است. در این مقاله تلاش نمودیم تا با نگاهی تحلیلی به نقد و بررسی مبانی و مصادیق حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران پرداخته شود. قوانین و مصوبات موجود در زمینه حقوق شهروندی ایران، حاوی نکات مثبت و منفی زیادی است و پرداختن به این نکات نقطه عطفی در بازبینی مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی است. نگارنده در هر قسمت ضمن بیان مبانی و مصادیق حقوق شهروندی بر اساس کلام الهی و قانون اساسی به تحلیل انتقادی آن‌ها پرداخته است.

کلیدواژگان: حق، حقوق شهروندی، مبانی، مصادیق

مقدمه

حقوق شهروندی از مفاهیم حقوقی مطرح شده در سالهای اخیر است و یکی از مسائل مهمی می‌باشد که امروزه افکار جهانیان را به خود جلب کرده است. حقوق شهروندی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و برپایی این حق بر مبنای کرامت ذاتی بشر و عدالت اجتماعی تعریف شده است. حقوق شهروندی بر مبنای رابطه حکومت با مردم، مردم با حکومت و مردم با یکدیگر بنیان گذاشته شده است. حقوق شهروندی در ابعاد حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... بیان شده است. پژوهش حاضر در ابتدا با هدف آشنایی مخاطب با کلیات موضوع به بررسی مفهوم و تاریخچه حقوق شهروندی پرداخته است. در قسمت دوم سعی شده که مبانی حقوق شهروندی با توجه به کلام الهی و قانون اساسی ایران بیان و نقدهای پیرامون آن مطرح شود. در قسمت سوم به بررسی مصادیق حقوق شهروندی از منظر قانون اساسی ایران و نقدهای وارد بر آن پرداخته شده است.

مفهوم واژه حق

حق به معنای راست بودن و درست بودن، همچنین در معنی «آنچه فرد یا پدیده‌ای سزاواری آن را دارد» به کار می‌رود (Zamakhshari, 1979)، شایسته عدل (Tahhanawi)، سهم، بهره، ملک و مال (Zabidi, 1994) نیز معانی است که بیان شده است. هم چنین به ضد و خلاف باطل، حق گفته می‌شود (Ibn Manzur, 1988) و نیز به معنای مطابقت و هماهنگی، موجود ثابت، صدق، بر خلاف باطل، سزاوار، شایسته و لایق نیز به کار رفته است (Jawhari, 1987).

جمع حق واژه حقوق است و حقوق به معنی مجموعه قواعدی است که از طریق موسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود (Khosravi, 2015).

حق در اصطلاح، قدرت و توانایی، امتیاز برتری، تسلط بر چیزی یا خواسته‌ای ممتد، همگام و جدانشدنی است (Saket, 2008).

حقوق اصطلاحاً «عبارتست از» مجموعه قواعدی که تنظیم‌کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین می‌باشد.

مفهوم واژه شهروند

شهروندی مفهومی است که در سده‌های گذشته برای توضیح وضعیت حقوقی و اعتبار سیاسی اجتماعی اعضای یک جامعه پدید آمد. این مفهوم با گذر زمان، رفته رفته دچار دگرگونی و تغییرات تازه‌ای شد. شهروند ترجمه فارسی واژه (citizen) که از واژه شهر (city) گرفته شده و city از واژه لاتینی (civites) مشتق شده است، می‌باشد که معادل کلمه (polls) در فرهنگ و زبان یونانی است که فقط به ساکنان شهر گفته نمی‌شود بلکه معنایی فراتر دارد، و مفهوم واحد سیاسی مستقلی را افاده می‌کند (Mousavi Moghaddam, 2011) شهروند در واقع ترجمه citizenship می‌باشد.

در واقع در تعریف جامع می‌توان گفت، شهروند عضو جامعه ملی است و مجموعه‌ای از حقوقی که بنیانی عادلانه دارند را دنبال می‌کند، از یک طرف به امتیازات مردم در بهره‌وری از حقوق خود و از طرف دیگر به مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان برای مدیریت پایدار جامعه توجه می‌کند (Yousef Vand, 2015). بر این اساس شهروندی بیانگر جنبه فعال فرد در جامعه است که دارای حقوق، امتیازات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

مفهوم حقوق شهروندی

مفهوم «حقوق شهروندی» را می‌توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه شهری حکومت می‌کند تعریف کرد. منظور از حقوق شهروندی، همه حقوقی است که یک شهروند بر پایه قوانین، مقررات و ارزش‌های مشترک در یک کشور از آن برخوردار است. حقوق یک شهروند در ارتباط با وظایف دولت و نیز دیگر شهروندان جامعه مورد نظر است و باید از سوی آنان مورد رعایت و احترام قرار گیرد (Turner, 1993).

به مرور زمان مفهوم حقوق شهروندی در قامت یکی از مفاهیم‌های بنیادین زندگی مردم سالارانه جوامع، ظاهر و به یکی از پایه‌های فکری «دموکراسی» (مردم سالاری) تبدیل شد. البته پیش از آن و در الگوهای مردم سالاری‌های یونان و روم باستان، حقوق شهروندی به معنای داشتن حقوق و مسوولیت‌های یکسان در نزد قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه وجود داشت.

بر این پایه بود که از دوره نوزایی اروپا (رنسانس در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی)، انسان گرایی فرد (Turner, 1993) بر حق شهروندی به عنوان مسیری برای کسب بیشینه حقوق فردی در جامعه آزاد پای فشرد.^۱

بنابراین حقوق شهروندی حقوقی است که افراد با توجه به موقعیت شهروندی خود از آن بهره مند می‌شوند و شامل مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که محور تضمین آن‌ها قانون است.

سیر تاریخی حقوق شهروندی

مفهوم حقوق شهروندی از آغاز زندگی افراد به صورت اجتماعی، نمود داشته است و شاید بتوان به اعتبار برخی متون تاریخی جرقه‌های آن را به دولت باستانی سومر در جنوب عراق استناد داد. تجربه مردم سالاری برای اولین بار در پولیس آتن بوجود آمد، بعد از سومر در یونان و آتن رگه‌هایی از شهروندی به چشم می‌خورد و معنای آن برابری حقوق و وظایف در برابر قانون بود، نظام شهروندی به منظور دفاع از موجودیت خود در برابر تجاوزات داخلی و خارجی بود و در واقع اساس آن ایستادگی در مقابل بروز هرج و مرج بود، و شهروند یک جنگجو محسوب می‌شد که وظیفه مقابله با تهاجمات و تجاوزات را داشته است و در اداره عمومی مشارکت داشته است (Mohammadi, 2018).

برخی از مورخان و پژوهشگران بر این باورند که موسس و بنیان گذار حقوق شهروندی در جهان، ایران باستان می‌باشد (Afzali, 2010). در دوران معاصر فرمانی که توسط امیر کبیر در دوران ناصر الدین شاه صادر شد (Ahmadi Tabatabai, 2009) و همچنین فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره)، همه اینها به وجود و رعایت حقوق شهروندی در ایران دلالت دارد. اگر چه حضور واژه شهروندی در ادبیات ما به ۱۰۰ سال اخیر بر می‌گردد، لیکن تا قبل از مشروطیت با عناوینی چون رعیت بیان می‌شده و حضور این واژه در ادبیات ما جدید و تازه می‌باشد. با این حال اگر چه برخی یونان و روم را موسس حقوق شهروندی و فرانسه را تثبیت کننده و احیا کننده آن می‌دانند، لیکن در اسلام این مفهوم ۱۴ قرن پیش از این جاری بوده است. و نامه‌های حضرت رسول (ص)، نامه‌های حضرت علی (ع)، رساله‌الحقوق امام سجاد (ع) و سیره امامان معصوم همه دلالت بر این موضوع دارد.

مبانی حقوق شهروندی

یکی از مسائل مهم در تبیین صحیح حقوق شهروندی توجه به مبانی آن است. در این مبحث به بیان این مبانی پرداخته می‌شود.

کرامت انسانی

اصل کرامت انسانی مهم‌ترین اصل بنیادی و پایه گذار نظام بین المللی حقوق بشر است که بر اساس آن حق‌های بشری که در نظام بین المللی حقوق بشر شناسایی شده‌اند، توجیه پذیر می‌باشد. این اصل از مبانی مشترک بین اسلام و دیگر ادیان و همچنین سایر فرهنگ‌ها و جوامع می‌باشد به طوریکه در مقدمه منشور ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو نیز از آن سخن به میان آمده است.

در ترمینولوژی حقوق بشری، اصطلاح کرامت انسانی به این شرح تعریف شده است: «کرامت انسان، ارزش فطری (Innate Value) ذاتی یا شایستگی هر انسان است که با وجود هویت و

^۱. Humanism

ماهیت انسانی هر فرد انسانی وجود می‌یابد و به عنوان مبنای فلسفی تمامی حقوق بشر شناخته می‌شود. بر این اساس، هر انسانی از آن حیث که انسان است دارای این کرامت، عزت، شرافت و ارجمندی بوده و چنین کرامتی، ذاتی و غیر قابل سلب است. حرمت و کرامت انسانی حقی مطلق (Absolute Right) خدشه ناپذیر است که تجاوز به آن به هیچ بهانه‌ای جایز نبوده و این حق، حتی از حق حیات نیز برتر است (Ghorbannia, 2008).

اصل کرامت انسانی دراصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان مهم ترین مبنا شناخته شده است و تمام حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه بر پایه کرامت ذاتی انسان بنا شده است. قانون گذار احترام به کرامت انسانی را مورد تاکید قرار داده و بدین وسیله از آن حمایت کرده است. شایان ذکر است صیانت از کرامت ذاتی انسان، براساس آموزهای دینی و نظام حقوقی تا زمانی در حیطه مسئولیت حکومت اسلامی قرار دارد که افراد طرف تعامل در صدد سوء استفاده از این حق طبیعی نبوده و به کرامت دیگر افراد تعدی ننمایند، در غیر این صورت این حق از آنان ساقط شده و تحت عنوان مجرم قابل مؤاخذه خواهند بود.

علاوه بر قانون اساسی، در ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده: «با تمامی افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت و کرامت انسان رفتار نمود». همچنین در ماده ۱۷ سند مزبور، بر ممنوعیت مداخله خودسرانه به حریم خصوصی و تعرض به شرافت و حیثیت انسان تاکید شده است (ICCPR, 1966).

با توجه به اصل کرامت مشخص می‌شود کرامت همراه ذات و گوهر انسان است، و به واسطه آن انسان به رسمیت شناخته شده است. اصل کرامت یک مفهوم انتزاعی است که باید صحیح تفسیر شود و هرگونه برداشت نادرست و ابهام آمیز سبب می‌شود این اصل زیر سوال برده شود. مهم ترین نکته در اصل کرامت، نگاه فرا

اصل عدالت خواهی و مساوات

گرایش به عدالت و عدالت خواهی یک امری فطری و ذاتی است، لذا توجه به این اصل در تمام جوامع بشری حائز اهمیت است. بر خلاف اعتقاد برخی، در عدالت هرگز مساوات شرط نیست، بلکه اولویت و استحقاق باید در نظر گرفته شود. مقتضای عدالت این است که تفاوت‌هایی که در اجتماع در بین افراد است، تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد (Makarem Shirazi, 2007).

اگر عدالت را به معنای مساوات و برابری فارغ از در نظر گرفتن استعدادها و لیاقتها بدانیم، این یک ظلم خواهد بود؛ بنابراین تفاوت‌هایی که بر مبنای لیاقت و استعداد یا فعالیت و تلاش است عین عدالت و دادگستری است (Motahhari, 1997).

یکی از مصادیق عدالت تساوی حقوق بین تمام انسان‌ها است. اصل تساوی حقوق از اصول مهم روابط اجتماعی است که در چند بند در قانون اساسی بیان شده است. در فصل سوم قانون اساسی که به موضوع حقوق ملت اختصاص دارد، اولین اصل یعنی اصل نوزدهم قانون اساسی چنین بیان می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

بنابراین با توجه به این اصل نژاد پرستی و برتری جویی قومی و قبیله‌ای در هر شکل و شیوه اش مردود و باطل است و هیچ کس نباید به بهانه اینگونه اختلافات، ادعای برتری بر دیگران را در مواجهه با قانون ابراز نماید.

هم چنین این اصل در اعلامیه حقوق بشر نیز مطرح شده است. اصل ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد که «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت

یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.^۱ طبق اصل تساوی حقوق باید امکانات در بین شهروندان بر حسب استحقاقشان توزیع گردد و همه قوا و نهادها به نقش و وظیفه‌شان در این زمینه عمل کنند.

یکی از نقدهایی که به اصل تساوی حقوق در ایران وارد است، محدودیت‌های مترتب بر حقوق شهروندی غیرمسلمانان است، هر چند بنای کلی در رعایت حقوق شهروندی غیرمسلمانان و یکسانی آن‌ها با سایر اتباع بوده است و در متون فقهی نیز نظام حقوقی، غیرمسلمانان را بر اساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و عدالت اجتماعی استوار نموده‌اند. معذک وضع حقوق مدنی و جزایی، چگونگی آزادی‌های فردی و قواعد حاکم به وضوح تفاوت آشکاری را نشان می‌دهد که اصل تساوی را در این مورد با محدودیت همراه می‌سازد. هم چنین تعقیب کیفری برخی افراد با لحاظ وظایف خاص سیاسی، قضایی، نظامی، اجتماعی و مذهبی که با تشریفات خاصی صورت می‌پذیرد، مانند رسیدگی به اتهام اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونان آنها، رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان، رئیس دیوان محاسبات و... که این مورد سبب تبعیض قانون مجازات بین افراد است. هم چنین در برخورداری از امکانات، تبعیض بین افراد با وظایف خاص و مردم عادی وجود دارد.

مصادیق حقوق شهروندی

در زمینه مصادیق حقوق شهروندی سه حق کلی و اساسی قابل بیان است که هر کدام از آن‌ها دارای حقوق جزئی می‌باشند. حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی و حقوق مدنی از مصادیق کلی حقوق شهروندی هستند که در این مبحث به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

حقوق اجتماعی

در جامعه بشری هر فردی به عنوان یک شهروند باید از حداقل امکانات بهره‌مند شود. حق کار و اشتغال، امنیت، محیط زیست سالم از حداقل حقوق اجتماعی شهروندان است که به تفکیک بررسی می‌شوند.

حق کار و اشتغال

یکی از حقوق شهروندی حق اشتغال یا کار است (سوه، ۱۳۵۴: ۱۲۴). هر شهروندی این حق را دارد که شغل خود را آزادانه انتخاب کند. بنا بر این حق، نمی‌توان شغلی را بر کسی تحمیل کرد و هم چنین نمی‌توان آزادی او را در چگونگی اداره شغل خود محدود کرد. اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. بدین ترتیب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل به رسمیت شناخته شده است. تکلیف دولت در این خصوص نیز در ادامه این اصل بیان شده است: دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند. بدین ترتیب در قانون اساسی که مهمترین قانون موجود در کشور است این حق به رسمیت شناخته شده است. حق اشتغال در اسناد بین‌المللی در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سند بین‌المللی دیگری است که در سال ۱۹۷۶ میلادی به اجرا درآمد و ۱۴۸ کشور هم اکنون عضو آن هستند. حق کارکردن در شرایط عادلانه و مناسب، یکی از حقوقی است که این اعلامیه می‌کوشد از آن حمایت کرده و آن را تضمین کند.

اگرچه حق اشتغال یکی از حقوق تعریف شده برای شهروندان است اما با محدودیت‌هایی مواجه است. در حال حاضر شروع به

^۱. description of the UN declaration article 7, the United Nations

مختلف شناخته نشده است و در بسیاری از موارد، به بهانه‌های واهی «مسئله امنیت»، در ابعاد مختلف نادیده گرفته شده است. در حالی که «امنیت» و «احساس امنیت در میان شهروندان»، می‌تواند به پتانسیلی تبدیل شود که افراد یک جامعه، بدون داشتن دغدغه‌های ناشی از «عدم امنیت»، به رشد، شکوفایی و توسعه نایل آیند، لذا توجه به این مهم در پیشرفت جامعه بسیار موثر است.

حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم

محیط زیست سالم حق هر شهروندیست که نقض این موضوع دارای تبعاتی خاص و نقض حقوق شهروندی را بدنبال دارد. محیط زیست و حفاظت از آن از مسائل مهم زندگی بشر امروزی است و بحران آن یکی از مشکلات کشورهای صنعتی و در حال توسعه امروزی است. در قانون اساسی موادی به محیط زیست اختصاص داده شده است که در ذیل بدانها اشاره می‌شود:

ماده ۱۱۲- حفاظت از محیط زیست- که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند- وظیفه‌ای همگانی است. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط زیست، مقابله می‌کند.

ماده ۱۱۳- هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط زیست را دارد. دستگاههای اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست محیطی به ویژه در شهرهای بزرگ، تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

هر کاری نیاز به مجوز دارد و تا زمانی که با آن موافقت نشده و مجوزهای لازم صادر نشده، نمی‌توان به انجام آن مشغول شد. گذراندن مراحل کسب مجوز با اتلاف وقت و هزینه همراه است و این خود مانع بزرگی برای اشتغال است. نتیجه اینکه با وجود چنین حقی، باید محدودیت‌ها و موانعی که بر سر راه ایجاد مشاغل وجود دارد مرتفع شود.

حق امنیت

در تعریف امنیت (Security) می‌توان گفت: «در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود» (Ashouri, 1994). به این معنا که فرد نسبت به آزادی‌های مشروع و حقوق خود ترس و واهمه‌ای نداشته باشد. ضرورت امنیت از حق طبیعی بشر نشأت می‌گیرد و برای تحقق امنیت، پیشگیری از عواملی که منجر به ایجاد ناامنی می‌شوند مهم‌ترین راهکار می‌باشد. «امنیت فردی» به عنوان حوزه احترام به حقوق شهروندان از متون فقهی اسلامی منبعث شده است. در آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از دستورات اسلامی و فقه و حقوق اسلامی، اهمیت زیادی برای «امنیت فردی» و «امنیت قضایی» قائل شده است. در اصل ۲۱ قانون اساسی به صراحت آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» (Ashrafi, 1997).

به طور کلی «امنیت» در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قضایی از مفاهیم با ارزش در حیات اجتماعی است. در طول تاریخ بشر، توسعه و رشد، همواره در سایه حداقلی از «امنیت» فراهم آمده است؛ انسان‌ها در سایه «امنیت» به پیشرفت‌ها، نوآوری‌ها و اختراعات دست یافته‌اند، اما با توجه به اهمیت زیاد مفهوم «امنیت» در حیات بشری، قدر آن به اندازه کافی در جوامع

دولت به عنوان متولی ایجاد شرایط زیست سالم، مکلف به تامین امکانات و شرایط لازم برای برخورداری همه شهروندان از هوای پاک و محیط زیست سالم است، اما متأسفانه سالیان سال است که شهروندان تهران و کلان‌شهرهای ایران از این حق طبیعی در ایامی از سال محروم و با پدیده وارونگی و گسترش آلاینده‌های هوا به محل سکونت و محیط زیست خود هستند. هم چنین جنوب خوزستان بیش از یک دهه است با مشکلی به نام پدیده «ریزگردها و آلودگی هوا» دست و پنجه نرم می‌کند، بنابر اعلام نظر کلانتری رئیس سازمان محیط زیست کشور، علت اصلی ایجاد ریزگردهای داخلی کشور فقدان بارندگی و توجه نکردن به حقابه‌های زیست محیطی است. با توجه به مطالب مطروحه در منشور حقوق شهروندی حق داشتن محیط زیست و هوای سالم و آگاهی شهروندان از عوارض ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی به رسمیت شناخته شده است. ارائه راهکارهای مناسب و اجرایی کردن آن در جهت ایجاد هوای سالم از جمله اموری است که دولت باید بدان رسیدگی جدی کند و این معضل مغایر با حقوق شهروندی است ولی متأسفانه تاکنون راه حل مناسبی در این زمینه اتخاذ نشده است و این مشکل قابل تامل است.

حقوق سیاسی

یکی از حقوق اساسی شهروندان، حقوق سیاسی است که شامل حق رای و حق تشکیلات است که به تبیین این حقوق پرداخته می‌شود.

حق رای

رای دادن مردم یکی از اقسام حقوق شهروندی آنهاست. شهروند مسئول بر تعیین سرنوشت خود و کشور تاثیر می‌گذارد. رای، سنگ بنای ساختار و تشکیلات در هر کشوری است که آن را می‌پذیرند و همچنین به معنای بلوغ سیاسی می‌باشد. مردم سالاری و مشارکت مسلمانان در مسائل سیاسی جز ذات و خمیرمایه اسلام می‌باشد و فقط مردم سالاری و دموکراسی را که بر پایه قوانین

الهی باشد، صحیح می‌دانند و حضور همه افراد را در این مشارکت الزامی می‌دانند، چه مرد و چه زن هر دو در نظام جمهوری اسلامی از این حق برخوردار خواهند بود (Khomeini, 2000). حضرت امام خمینی (ره) فرمودند ما می‌خواهیم زن به والاترین مقام انسانیت برسد و در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد و هیچ تفاوتی از نظر حقوق انسانی بین زن و مرد نیست (Khomeini, 2000). هر دو انسان هستند و ایشان از بعد حیثیت انسانی به این مسئله نگاه می‌کنند.

اگرچه در کشور ایران حق رای بنا بر شرایط تعریف شده وجود دارد اما نکاتی وجود دارد که این حق رای را با مشکل روبرو می‌کند. یکی از بسترهای مناسب جهت برخورداری از حق رای فهرست‌های انتخاباتی است که حلقه مفقوده‌ای در انتخابات ایران است. در کشورهای دارای تجربه بیشتر در دموکراسی معمولاً فهرست‌های (لیست‌های) انتخاباتی در هر حوزه انتخابیه تنظیم می‌گردد که بر روی آن‌ها نام رأی دهندگان واجد شرایط ثبت می‌شود. در روز اخذ رأی، از روی این لیست‌ها شهروندان واجد شرایط تشخیص داده می‌شوند. شهروندان ضمن امضاء در مقابل نام خود، اقدام به شرکت در انتخابات و انداختن رأی در صندوق می‌نمایند. این فهرست‌ها یا اتوماتیک وار توسط مقامات صلاحیتدار، معمولاً شهرداریها، تهیه می‌شوند یا اینکه شهروندان باید با دادن درخواست در این لیست‌ها نام خود را به ثبت برسانند. در کشورهایی مثل اتریش، دانمارک، پرتغال، ایتالیا و یا آلمان راه حل اول پذیرفته شده است (Delperee, 1998).

تهیه فهرست‌های انتخاباتی از ضروریات اولیه پذیرفته شده در نهاد انتخابات است. این امر مانع رأی‌های مکرر و یا جابجایی وسیع و توده‌ای رأی دهندگان در روز انتخابات می‌شود. می‌توان انتخابات را توسط نهاد نظارت کننده بصورت مؤثر بررسی نمود، بنابراین توجه و بررسی آن جهت اصلاح در قانون انتخابات امری لازم و ضروری به نظر می‌آید. هم چنین در ایران علیرغم اینکه خصیصه

مخفی بودن رأی که امروزه یکی از اصول مسلم حقوق انتخاباتیست در نظر گرفته شده، هیچگونه اقدام محسوسی که احترام به این ویژگی بنیادی رأی را تضمین نماید، مشخص نشده است. نه خلوت خانه‌های انتخاباتی و نه پاکت مخصوص منظور نگردیده اند. لذا قوانین و مقررات انتخاباتی در زمینه حق رأی، روش برگزیدن داوطلبان، منابع مالی، هزینه‌ها، تبلیغات، عوامل انسانی و... نیازمند بازنگری و اصلاحات جدی می‌باشد.

حق تشکیل اجتماعات

یکی از حقوق تعریف شده برای شهروندان حق تشکیلات اجتماعی است تا افراد بتوانند از علایق و نظرات مشترکشان دفاع کنند و همچنین به ترویج آن بپردازند و هم چنین نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی مانند گرانی، بیکاری و... اعتراض کنند. این حقوق که تقریباً در همه کشورها مورد قبول واقع شده در مواردی نیز محدود می‌شود. در اسلام این حق در صورتی که برای اشاعه پاکی، تقوا و کارهای مورد پسند باشد مشروعیت دارد.

در آیات قرآن به حق تشکیلات اشاره شده است، خداوند متعال می‌فرماید: "کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر و تؤمنون بالله ولو آمن أهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المؤمنون وأكثرهم الفاسقون؛ (آل عمران، آیه ۱۱۰) شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته اید (برای اصلاح بشر که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید؛ و اگر اهل کتاب همه ایمان می‌آوردند بر آنان چیزی بهتر از آن نبود، لیکن برخی از آنان با ایمان و بیشترشان فاسق و بد کارند."

بنابراین مسلمانان مسئول اصلاح تمام جوامع بشری هستند (Qaraati, 1995).

حق آزادی بیان و ابراز عقیده

حق آزادی بیان به معنای آزادی افراد در بیان عقیده و ایراد نطق و خطابه، بدون ترس از دخالت دولت می‌باشد (Aghabakhshi

1996, Afshari Rad &). مفهوم این آزادی وسیع است که شامل همه فرآورده‌های قلمی (کتاب، روزنامه و مطبوعات)، فرآورده‌های کلامی (سخنرانی) و فرآورده‌های هنری (نقاشی، فیلم، موسیقی، کاریکاتور و...) می‌شود (Seyyed Fatemi, 2005). اندیشه بدون بیان آن ارزشی ندارد، فکر هنگامی شکل می‌یابد و مورد محک قرار می‌گیرد که از راه‌های گوناگونی همانند گفتار، نوشتار، رفتار و غیره در عالم خارج ابراز شود.

در تعریف بیان آمده است: ابزار عقاید و افشای اندیشه‌ها زمانی که بدون ترس و مجازات و با احساس امنیت همراه باشد (Babaei, 2017). اگرچه تا کنون تعریفی جامع و روشن برای آزادی نشده اما در فقه اسلام هر کاری که عمل به آن حرام نباشد، در واقع جواز به عمل مباح را آزادی می‌گویند و آزادی بیان هم نطق و سخنی است که مخالف با دین نباشد (Harrani Hanbali).

حق آزادی بیان در منشور حقوق شهروندی نیز بیان شده است. این حق از ششمین بند از منشور حقوق شهروندی است که پس از «حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی»، «حق کرامت و برابری انسانی»، «حق آزادی و امنیت شهروندی»، «حق مشارکت در تعیین سرنوشت» و «حق اداره شایسته و حسن تدبیر» آمده است.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند.

بنابراین آزادی بیان نباید حقوق و آزادی‌های دیگران را نقض کند و باید در چارچوب قوانین مطرح شود.

حقوق قضایی

حق سکوت برای مجرم

یکی از حقوق اساسی هر متهم، حق سکوت است، یعنی متهم حق دارد پاسخ سوالات مقام قضایی را ندهد و سکوت کند. در اینگونه موارد، مرجع قضایی حق ندارد او را وادار به پاسخگویی کند.

یکی از تضمین‌هایی که برای متهم در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است این است که متهم نباید علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن خود اعتراف کند. همچنین بند ۱ ماده ۵۵ در اساسنامه دیوان بین المللی نیز به این مطلب اشاره شده است (Mousavi Moghaddam, 2011).

با توجه به اصل حیثیت و کرامت انسانی و براساس اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر گونه شکنجه و آزاری برای گرفتن اقرار و کسب اطلاعات ممنوع می‌باشد و مجاز نیست شخص را به شهادت، اقرار یا سوگند، وادار کرد و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

حق انتخاب وکیل

حق انتخاب وکیل برای شهروندان قابل قبول و می‌تواند اسباب کاهش فشارهای روانی نیز باشد. از این رو تمام نظام‌های حقوقی این حق را برای شهروندان در نظر گرفته اند. بر اساس ماده ۳۵ قانون اساسی طرفین دعوا حق انتخاب وکیل را دارند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، برای آن‌ها باید وکیل قهری قرار داد. بنابراین توجه به این حق در راستای حفظ اصل کرامت انسانی قابل تامل است.

اصل برائت

همه شهروندان تا زمانی که جرم آنان در دادگاه صالح و مطابق مقررات قانونی اثبات نشود، مجرم محسوب نمی‌شوند، حتما باید دلیلی بر توجه اتهام به اشخاص مدنظر وجود داشته باشد و بعد از

یکی از حقوق تحت عنوان حقوق مدنی، حق قضایی است که تحت عناوینی چون حق اقامه دعوی، حق سکوت مجرم، حق انتخاب وکیل و... مطرح شده است، برای تبیین بیشتر به این حقوق پرداخته می‌شود.

حق دادخواهی و اقامه دعوی

دعوا در لغت به معنی خواستن، ادعا کردن، نزاع و دادخواهی است. دادخواهی حق مسلم هر فرد است و در اصطلاح حقی است که با توجه به آن افراد می‌توانند با مراجعه به دادگاه و از طریق قانون و اقدام درست از حقوقشان حمایت کنند که طی این مراجعه و اجرای حق، عمل حقوقی خاص انجام می‌شود که به آن اقامه دعوی می‌گویند (Katouzian, 1997). حق دادخواهی شهروندان در شمار حقوق مدنی است.

بر طبق اصل ۳۴، دادخواهی^۱ از حقوق مسلم افراد می‌باشد و هر کس می‌تواند به دادگاه صالح به منظور دادخواهی رجوع کند و برای همه افراد یکسان است و هیچ کس نمی‌تواند دیگری را از مراجعه به دادگاه منع کند.

دادخواهی یا دادخواستن، کار و عملی است که دادخواه برای از بین بردن ستم و ظلمی که بر او وارد شده یا برای جلوگیری از رخداد آن، از دادرس و دادگاه طلب داد می‌کند و تظلم می‌خواهد. این حق از آن روی اساسی است و برای همه شهروندان و حتی ساکنان سرزمین برقرار شده که از یک سو توانایی بر دادخواهی و امکان دسترسی به نهاد و مقامی بی‌طرف برای داور و به قضاوت گذاردن ستیز و دعوا، از لوازم و بایستگی‌های یک جامعه مدنی و متمدن است و از سوی دیگر هیچ کسی نخواهد و یا نتواند به احقاق حق شخصی و ستاندن حق مورد ادعای خود روی آورد. ایجاد بستر مناسب جهت احقاق دادخواهی لازم و ضروری است و تنها در این صورت است که این حق به شایستگی انجام می‌پذیرد.

^۱. To bring an action

عدالت اجتماعی و امنیت عمومی است که نباید این سه شاخص، حتی نسبت به حقوق شهروندان فرقه پرست که در شرایط فتنه انگیزی نیستند، از ناحیه حکومت و گروه‌های اسلامی دچار خدشه شود. و آن‌ها با حفظ مقررات جامعه اسلامی در برگزاری مراسمات مذهبی خود آزادند.

حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی بخش کامل کننده و جدایی ناپذیر حقوق شهروندی است و این حقوق برای شناسایی و رعایت کرامت انسانی شهروندان حیاتی است.

حق آموزش

سوادآموزی یکی از مصادیق حقوق فرهنگی است که در همه جوامع به حداقل میزانی که افراد بتوانند به وسیله آن نیازهای خود را برطرف کنند، تأکید شده است و به گروه خاصی اختصاص ندارد، به همین دلیل بر اساس تأکید موادی از قانون اساسی، دولت موظف است تا امکانات و شرایط را برای تحصیل افراد فراهم کند، به طوری که در بند سوم ماده سوم قانون اساسی، آموزش و پرورش رایگان را برای همه افراد در تمام سطوح لازم می‌داند.

بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی، آموزش و پرورش را جزو نیازهای اساسی برمی‌شمارد. حق آموزش رایگان و همگانی جز حقوق بنیادین شهروندان است که هم قانون اساسی ایران و هم قوانین اساسی سایر کشورها براساس توافقات بین المللی بر آن تأکید دارند و به گونه‌ای این امر شکل اجماعی یافته است لیکن لازمه برخورداری از آموزش رایگان و همگانی در دسترس قرار داشتن آن برای همگان از جمله روستائیان، عشایر و سایر گروه‌های اجتماعی و برخورداری از امکانات یکسان است.

مضافاً ضمن اینکه این آموزش باید کافی باشد، ضروری است بدون تبعیض به لحاظ کیفیت و کمیت ارائه گردد، تا موجبات بی عدالتی آموزشی فراهم نشود، اما با بررسی وضعیت آموزشی در ایران مشاهده می‌شود که امکانات شهری جهت آموزش به مراتب

آن شهروند را تحت تعقیب قرار داد. بر اساس اصل ۳۷ قانون جمهوری اسلامی ایران اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

علاوه بر اصل ۳۷، بند دو ماده واحده حقوق شهروندی: تا جرم اثبات نشود و رای مستدل و مستند بر اساس مواد قانونی یا منابع فقهی معتبر، قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم است و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت برخوردار باشد.

همه انسانها از حق آزادی به عنوان یک حق فطری برخوردار هستند و همگان تا قبل از اثبات هر جرمی، یکسان و باید به یک دیده به آنان نگریسته شود. و هرگونه اتهام و سوء ظن به افراد، قبل از اثبات جرم مطرود است.

حقوق مذهبی

یکی از موارد حقوق مذهبی شهروندان این است که آن‌ها بتوانند آزادانه عقیده و مذهب خود را انتخاب کنند و بر طبق آن بتوانند مراسم دینی و مذهبی خود را بدون هیچ ممانعتی انجام دهند. یکتاپرستان باید در امنیت کامل، به مناسک دینی خود بپردازند و در انجام فعالیت‌های اجتماعی آزاد باشند و نباید آنان را محدود کرد. هم چنین اقلیت‌های مذهبی هم در انجام فعالیت‌های خود آزادند مگر اینکه سبب بروز فتنه و فساد در سطح جامعه شوند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «تمام اقلیتهای مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود، آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند» (Khomeini, 2000).

طبق اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. بنابراین شاخص‌های رعایت حقوق شهروندان در جامعه اسلامی، شامل کرامت انسانی،

تکنولوژی به دستاوردهای مهمی نائل آمده است، اما با تکنولوژی روز دنیا هنوز فاصله دارد و در مناطق محروم امکان دسترسی به آن بسیار محدود است، لذا ضرورت دارد تدابیری در این زمینه اندیشیده شود.

نتیجه گیری

مفهوم شهروندی بیانگر مجموعه‌ای از حقوق فطری و طبیعی شهروندان است که بر خاسته از حیثیت و کرامت انسانی است و باید مطابق اصل عدالت اجتماعی و مساوات توزیع شود. و دولتها همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق هستند و مهم ترین مصادیق آن حق اشتغال، حق امنیت، حق رای و حق آزادی بیان، حق آموزش است و تا زمانی که نیازهای اساسی و مهم افراد مورد حمایت قرار نگیرد بشر نمی‌تواند در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد. در بررسی مصادیق حقوق شهروندی مشخص می‌شود که این حقوق، مورد پذیرش تمام جوامع انسانی است و کشور ایران نیز به تبعیت از احکام الهی و قانون اساسی این حقوق را به رسمیت شناخته و در منشور حقوق شهروندی بیان کرده است. اگرچه مبانی و مصادیق حقوق شهروندی پذیرفته شده است اما در نحوه اجرایی کردن این حقوق نقص‌ها و کمبودهایی به چشم می‌خورد. مواردی چون تبعیض، توزیع ناعادلانه امکانات، محل سکونت و... تا حدودی بر این حقوق تاثیر گذاشته و همه ی افراد جامعه نمی‌توانند به طور مساوی از این حقوق بهره مند شوند. لذا ارائه راهکارها و ایجاد بسترهای مناسب در جهت بهره مندی تمامی افراد از حقوق شهروندی یکسان الزامی است و در نتیجه تحقق این امر مسیر رشد و تعالی برای تمامی افراد جامعه یکسان و به تبع آن جامعه در مسیر رشد و تعالی قرار خواهد گرفت.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

از امکانات روستایی بیشتر است و با توجه به آموزش مجازی در ایام کرونا کیفیت آموزش در مناطق محروم به شکل چشمگیری کاهش یافته است، لذا دولت موظف است بستر مناسب آموزشی بدون تبعیض را برای تمامی شهروندان فراهم آورد تا همگان به طور مساوی از آموزش بهره مند شوند.

فناوری اطلاعات و بستر سازی مناسب

یکی از حقوق فرهنگی شهروندان بهره مندی از دانش فناوری اطلاعات است. فناوری اطلاعات دانش جدیدی است که عبارت است از علم استفاده از ابزارهایی مانند پردازش، نگهداری، ذخیره، توزیع، اشتغال و امنیت اطلاعات.

در نظام‌های حقوقی فقط در مواردی که خلاء قانونی در قوانین خاص و موضوعه فضای مجازی وجود داشته باشد، برحسب ضرورت مورد پذیرش قرار می‌گیرد. تدوین حقوق و فضای مجازی متناسب با اجزای فاوا و فاما فناوری اطلاعات، فاوا ابزار توسعه اجتماعی - اقتصادی است. در واقع ترکیبی از تولید و ساخت و صنایع خدماتی است. نظام حقوقی فضای مجازی متناسب با اجزای فاوا بر اساس سه محور مالکیت فکری، حریم خصوصی و جریان آزادی اطلاعات شکل گرفته و سایر مسائل حقوقی زیرمجموعه این بحث‌ها می‌باشد (Forozandeh, Doost, 2012).

در دنیای مدرن امروزی با پیشرفت علم و تسلط فناوری اطلاعات در همه عرصه‌های زندگی بی شک تأثیر شگرفی بر مؤلفه‌های حقوق شهروندی نیز داشته است. تسهیل ارائه خدمات، کاهش هزینه‌های عمومی و افزایش سرعت پاسخگویی از موارد مهم و مثبت حضور فناوری اطلاعات است. کاربرد فناوری اطلاعات تقریباً در همه زمینه‌ها مسلم است و توانسته در بیشتر جاها نفوذ کند.

ایجاد بسترهای مناسب جهت ارائه خدمات الکترونیکی از دغدغه‌های حال حاضر کشور ایران است. اگرچه کشور ما در زمینه

EXTENDED ABSTRACT

The discourse on citizenship rights has emerged as a pivotal concern in both jurisprudential and political scholarship, not only due to its legal ramifications but also because of its deep sociocultural and historical roots. The conceptual foundation begins with clarifying the meaning of *haqq* (right), a term historically associated with truth, justice, and entitlement. Classical scholars defined it as “that which a person or phenomenon deserves” (Zamakhshari, 1979), and linked it to fairness and justice (Tahhanawi). Other interpretations expand it to denote shares, benefits, property, and possessions (Zabidi, 1994). Furthermore, lexicographers described *haqq* as the opposite of falsehood (Ibn Manzur, 1988) and as conformity, permanence, and worthiness (Jawhari, 1987). Modern jurisprudence builds on these definitions, interpreting rights as a set of social or state-sanctioned rules that regulate relationships (Khosravi, 2015). In legal theory, *haqq* is a form of power, authority, and inseparable entitlement (Saket, 2008). This rich semantic background demonstrates that the idea of rights in Islamic and Persian legal thought is not merely borrowed from modern Western discourses but is rooted in a longstanding indigenous tradition that merges metaphysics, ethics, and law. Consequently, any attempt to critically analyze citizenship rights in Iran must begin with these conceptual foundations, recognizing the dual trajectory of historical continuity and contemporary reinterpretation. The notion of *citizen* itself (*shahrvand*), derived from *citizenship* in Western political thought, is more than a mere translation of *citizen* from city (*civitas* in Latin, *polis* in Greek). It reflects the legal and political recognition of individuals as members of a national society with reciprocal rights and obligations (Mousavi Moghaddam, 2011). Citizenship thus emphasizes not only belonging but also active participation in

political, social, and economic spheres. As defined in modern Iranian scholarship, it is both a bundle of entitlements grounded in justice and a set of responsibilities ensuring sustainable governance (Yousef Vand, 2015). From this perspective, citizenship rights can be understood as the rules regulating interactions within a political community, encompassing civil, political, social, and cultural domains (Turner, 1993). Historically, citizenship has evolved from ancient city-states where political participation was limited to warriors defending their polity (Mohammadi, 2018), to the Islamic civilization where notions of justice and communal obligations expanded the scope of rights through documents such as the *Risālat al-Ḥuqūq* of Imam Sajjad. Some historians even trace the earliest roots of citizenship rights to ancient Iran (Afzali, 2010), while in the modern era, reformist decrees by Amir Kabir (Ahmadi Tabatabai, 2009) and Imam Khomeini's eight-point directive reinforced the significance of these rights. This trajectory highlights how Iran's unique blend of pre-Islamic, Islamic, and modern constitutional experiences shapes its contemporary understanding of citizenship.

Among the most significant foundations of citizenship rights is the principle of human dignity. In both Islamic and international frameworks, dignity is considered absolute and inseparable from human identity (Ghorbannia, 2008). It is enshrined in the Iranian Constitution as well as in international instruments like the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), which mandates humane treatment and respect for human dignity in Articles 10 and 17 (ICCPR, 1966). This principle ensures that all legal, political, and social rights are grounded in the recognition of inherent worth. Complementary to dignity is the principle of justice and equality, which has always been central to Islamic legal and ethical thought.

Scholars emphasize that justice is not synonymous with mechanical equality but requires consideration of merit and capacity (Makarem Shirazi, 2007). Treating individuals equally without regard to their talents or efforts would itself constitute injustice (Motahhari, 1997). Nonetheless, the Iranian Constitution, like international human rights declarations, stresses the principle of equality before the law and the prohibition of discrimination. Yet critiques remain: limitations on non-Muslims, differentiated treatment in criminal procedures, and privileges for high-ranking officials reveal areas where formal equality is compromised. Thus, while the normative framework embraces dignity and equality, the lived realities of Iranian citizens highlight the persistence of systemic disparities.

The instances of citizenship rights manifest in multiple domains, beginning with social rights. These include the right to work and free choice of employment, explicitly recognized in Article 28 of the Constitution, which mandates the state to provide equal opportunities in accordance with societal needs. Yet bureaucratic obstacles and licensing requirements often undermine this entitlement, rendering the right conditional rather than absolute. Another cornerstone is the right to security, which extends from individual safety to national stability. Security is defined as freedom from threats or fear in political and legal terms (Ashouri, 1994), and the Iranian Constitution guarantees protection of life, property, and dignity except as prescribed by law (Ashrafi, 1997). However, security has often been invoked as a justification for restricting civil liberties, revealing a tension between collective stability and individual freedom. Political rights form another crucial sphere, particularly the right to vote and to participate in governance. Imam Khomeini emphasized that both men and women share equal responsibility in shaping

their destiny and that human dignity transcends gender differences (Khomeini, 2000). Nevertheless, structural deficiencies—such as the absence of comprehensive electoral rolls (Delperee, 1998) and insufficient safeguards for ballot secrecy—limit the full realization of this right. Similarly, the right to form associations is recognized, rooted in Qur’anic injunctions to enjoin good and forbid evil (Qaraati, 1995), but is constrained in practice by political sensitivities. Freedom of expression is perhaps the most contentious right: while theoretically encompassing speech, press, and artistic expression (Aghabakhshi & Afshari Rad, 1996; Seyyed Fatemi, 2005), its practice remains limited by legal boundaries and religious interpretations. True freedom of thought requires the capacity to articulate ideas without fear (Babaei, 2017), but in Islamic jurisprudence, expression is only legitimate when it does not contravene religious principles (Harrani Hanbali).

Judicial rights constitute another major component of citizenship, providing mechanisms for accountability and justice. The right to litigation and access to impartial courts is guaranteed in Article 34 of the Constitution, reflecting classical legal principles that justice cannot be denied to any citizen (Katouzian, 1997). Safeguards for defendants, such as the right to remain silent and the prohibition of coerced confessions, align with international standards like Article 14 of the ICCPR. The right to legal representation, enshrined in Article 35, further underscores the emphasis on protecting dignity and preventing abuse. Presumption of innocence, articulated in Article 37, ensures that no citizen is treated as guilty without due process. In addition, religious rights, particularly freedom to practice and maintain one’s faith, are recognized under the Iranian Constitution, with Imam Khomeini affirming the equality of recognized religious minorities with Muslims

(Khomeini, 2000). Cultural rights such as access to education and the benefits of information technology further demonstrate the expansion of citizenship rights into contemporary domains. The role of information technology in shaping citizenship rights has been highlighted by scholars who emphasize its impact on access to knowledge, privacy, and intellectual property (Forozandeh Doost, 2012). While digitalization promises democratization of services and information, the digital divide—especially in rural and marginalized areas—creates new forms of inequality that must be addressed through policy reforms.

In conclusion, the critical analysis of citizenship rights in Iran reveals both remarkable achievements and persistent shortcomings. Rooted in a deep legal, religious, and cultural heritage, these rights are anchored in principles of dignity, justice, equality, and communal responsibility. However, their practical realization remains inconsistent, shaped by institutional weaknesses, political considerations, and interpretive limitations. The Iranian legal framework recognizes key rights such as work, security, political participation, expression, justice, religion, education, and digital access, but the degree to which these rights are accessible to all citizens is uneven. Bridging the gap between the normative ideals of citizenship and their lived reality requires eliminating discrimination, enhancing institutional safeguards, and ensuring that the principles of dignity and justice are applied equally across all groups. Only through such reforms can citizenship rights serve their intended purpose: to guarantee not only the legitimacy and continuity of the political system but also the flourishing of individuals and society as a whole.

References

- Afzali, R. (2010). Citizenship Rights in Iran. *Political-Economic Journal*(279).
- Aghabakhshi, A., & Afshari Rad, M. (1996). *Dictionary of Political Science* (2nd Edition ed.). Iran Scientific Documents and Information Center.
- Ahmadi Tabatabai, M. R. (2009). Citizenship Rights with an Emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *First Line Quarterly*, 3(8).
- Ashouri, D. (1994). *Political Encyclopedia*. Morvarid.
- Ashrafi, M. (1997). *Collection of Constitutional and Civil Laws*. Ganj-e Danesh Library.
- Babaei, P. (2017). *Dictionary of Political Terms and Books*. Negah.
- Delperee, F. (1998). *Contentieux Electoral*. P. U. F.
- Forozandeh Doost, M. R. (2012). Applications of E-Government. International Conference on Applied Research in Computer Engineering and Information Technology, Tehran.
- Ghorbannia, N. (2008). *Human Rights and Humanitarian Law* (1st Edition ed.). Islamic Research Institute for Culture and Thought Publications.
- Harrani Hanbali, S. a. -D. *Al-Musawwadah fi Usul al-Fiqh*. Dar al-Kitab.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1988). *Lisan al-Arab*. Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- ICCPR. (1966). International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). UN Doc. A/6316
- Jawhari, A. N. (1987). *Al-Sihah*. Dar al-Ilm.
- Katouzian, N. (1997). *The Authority of Res Judicata in Civil Litigation*. Mizan.
- Khomeini, R. (2000). *Sahifeh-ye Nur*. Institute for the Publication of Imam's Works.
- Khosravi, H. (2015). *Constitutional Law (Management Major)* (2nd Edition ed.). Kharasandi Publications.
- Makarem Shirazi, N. (2007). *Principles of Belief*. Nasl-e Javan.
- Mohammadi, M. A. (2018). *Citizenship Rights in Iran*. Center for Studies.
- Motahhari, M. (1997). *Collected Works*. Sadra.
- Mousavi Moghaddam, M. (2011). *Citizenship Rights*. Hogogh-e Emrooz.
- Qaraati, M. (1995). *Tafsir-e Noor*. Dars-hayi az Quran.
- Saket, M. H. (2008). *A Prelude to the Science of Law*. Sales.
- Seyyed Fatemi, M. (2005). Freedom of Expression in the Mirror of Human Rights. *Legal Research Journal*(41).
- Tahhanawi, M. A. i. A. *Kashshaf Istilahat al-Funun*. Maktabat Nashiroom.
- Turner, B. S. (1993). Contemporary Problems in The Theory of Citizenship. In *Citizenship and Social Theory*. Sage Publication.
- Yousef Vand, M. (2015). Committed Citizenship Rights in the Islamic Government. Collection of Articles on Citizenship Rights, Tehran.

Zabidi, M. M. (1994). *Taj al-Arus*. Dar al-Fikr.
Zamakhshari, M. i. U. (1979). *Asas al-Balaghah*. Dar
Sadir.